

نقد کتاب: تاریخ فرهنگ ایران ۱

اسماعیل سنگاری^۱
سارا یوسفی^۲

چکیده

کتاب «تاریخ فرهنگ ایران ۱» تألیف صالح امین-پور به عنوان منبع درسی و دانشگاهی برای استفاده دانشجویان رشته مدیریت جهانگردی دانشگاه پیام‌نور به رشته تحریر درآمده است. مؤلف کوشیده است با توجه به ماهیت دانشگاهی اثر، براساس سرفصل‌های مصوب وزارت علوم، تحقیقات و فناوری جنبه‌های گوناگون حیات فرهنگی ایران را از دوران پیش از تاریخ تا آستانه یورش مغولان و پایان کار خوارزمشاهیان مورد بررسی قرار دهد. در این پژوهش برآنیم با در نظر گرفتن نقش و اهمیت وافر کتب درسی دانشگاهی در ساخت زیربنای فکری و علمی دانشجویان، کتاب حاضر را از زوایای مختلف - کیفیت فیزیکی، شکلی، محتوا و ساختار- مورد نقد و ارزیابی قرار دهیم.

کلیدواژه‌ها: ایران، تاریخ، فرهنگ، امین‌پور،

نقد

^۱ دانشیار گروه تاریخ دانشگاه اصفهان، دکتری تاریخ، زبان‌ها و تمدن‌های دنیای باستان؛ e.sangari@ltr.ui.ac.ir

^۲ کارشناسی ارشد تاریخ ایران باستان، دانشگاه اصفهان؛ s.yousefi1993@yahoo.com

مقدمه

مورخان و پژوهشگران معاصر هنگام تحقیق در باب تاریخ جوامع و اقوام، بیش از هر چیز بر مطالعه و تحلیل جنبه‌های گوناگون حیات اجتماعی- فرهنگی آحاد مختلف جامعه در ادوار تاریخی موردنظر خود تأکید می‌کنند. در حقیقت برخلاف سده‌ها و دهه‌های گذشته، تمرکز مورخ امروزی بیش از آنکه بر تاریخ سیاسی صرف، شرح اقدامات شاهان و فرمانروایان و توصیف رخداد‌های نظامی باشد بر تحلیل فرهنگها و تمدن-ها استوار است. البته به رغم این‌که مدت زمان قابل توجهی از پیدایش و فراگیرشدن این نوع نگرش به تاریخ و تاریخ‌نگاری در جهان می‌گذرد، جامعه پژوهشی در ایران همچنان در حال طی کردن نخستین گام‌های خود در تغییر شیوه تاریخ‌نگاری است، تغییری که نخستین بازتاب‌های آن در غرب در سده نوزدهم میلادی آغازیدن گرفت:

«البته حرف مضحکی است که بگوییم تحولات حوزه تاریخ‌نگاری در میانه قرن نوزدهم (پایان) گرفت... . از رانکه به بعد مفهوم (واقعیت) برای مورخان از هر دسته و گروه، بیش و پیش از

هر چیز، چیزی بوده که می‌توان
با وفاداری به منابع بدان
نزدیک شد یا رسید. از قرن
نوزدهم به بعد، ادعاهای تاریخ-
نویسی در خصوص موضوعیت و فایده
این کار، معمولاً بر بنیان
استفاده دقیق از اسناد و مدارک
استوار بوده تا فخامت بلاغی یا
فراست فلسفی» (آرنولد، ۱۳۹۵:
۷۶).

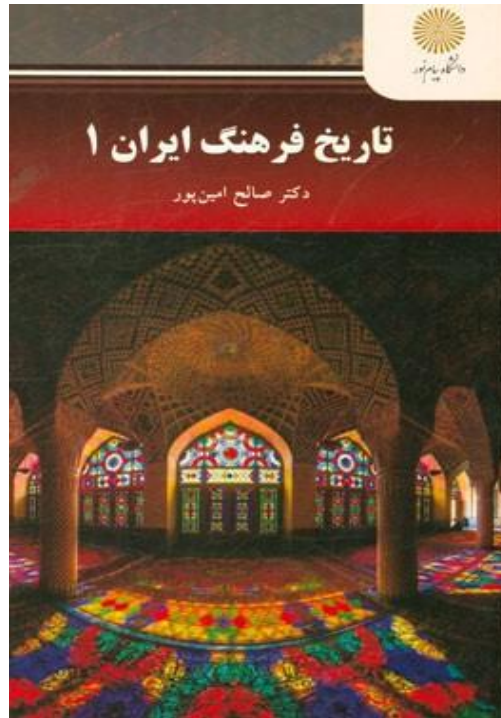
از این رو، بررسی و ارزیابی آثار و تحقیقاتی
که مطالعه تاریخ فرهنگ ایران را موضوع مورد
توجه خود قرار داده‌اند، ضرورت یافته و از
طریق گشودن باب نقد علمی و به دور از مقاصد
شخصی به بهبود کیفیت تاریخ‌نگاری و چاپ آثار
تاریخی جدیدتر منجر می‌شود. کتاب «تاریخ فرهنگ
ایران» ۱ عنوان اثری است از صالح امین‌پور -
دکتری تاریخ ایران بعد از اسلام و عضو هیئت
علمی دانشگاه پیام نور کردستان، مرکز سقز- که
به منظور استفاده دانشجویان رشته مدیریت
جهانگردی دانشگاه پیام نور تهیه و تنظیم شده
است. با در نظر گرفتن اهمیت متون درسی و
دانشگاهی در علاقه‌مند کردن دانشجویان رشته‌های
نه چندان مرتبط با مباحث تاریخی و فرهنگی، و

همچنین نقش این‌گونه آثار در شکل‌گیری بینش و نگرش این دسته از مخاطبان به تاریخ فرهنگ، ضرورت نقد این اثر بیش از پیش آشکار می‌گردد. نگارندگان این پژوهش بر این باورند که نقد و بررسی کتب درسی یکی از مهم‌ترین و کاربردی‌ترین روش‌های مؤثر در بهبود کیفیت آموزش و تحصیل دانشگاهی در کشور است.

این پژوهش درصدد است براساس شیوه و ساختار مطمح نظر پژوهشنامه انتقادی متون و برنامه‌های علوم انسانی، از جهات گوناگون به نقد و ارزیابی کتاب «تاریخ فرهنگ ایران ۱» پرداخته و جایگاه این اثر را در میان آثار مشابه و سایر کتب دانشگاهی بررسی کند. از این رو، پس از معرفی کوتاهی از اثر، وضعیت فیزیکی و شکلی کتاب مورد بررسی قرار گرفته است و سپس به ارزیابی محتوا و تحلیل انتقادی مباحث اثر پرداخته شده است.

۱. معرفی کلی اثر

۱-۱. شناسنامه اثر



عنوان: تاریخ فرهنگ ایران ۱
نویسنده: صالح امین پور
ناشر: انتشارات دانشگاه پیام نور، تهران،
۱۳۹۴، چاپ اول.
شمارگان: ۱۰۰۰
۱-۲. محتوا و اهداف اثر

کتاب «تاریخ فرهنگ ایران ۱» تألیف صالح امین-پور شامل ۱۰ فصل، فرجام سخن و کتابنامه در ۲۳۰ صفحه است. البته حجم کتاب با افزودن صفحات شناسنامه اثر، مقدمه ناشر، فهرست مطالب و

مقدمه نویسنده که با حروف شماره‌گذاری شده است، به ۲۴۰ صفحه می‌رسد.

مؤلف در مقدمه خود ضمن اشاره به اهمیت توجه به «مباحث فرهنگی و داشته‌های ارزشمند گذشته» (امین‌پور، ۱۳۹۴: نه) یادآور شده است که هدف وی از تألیف این اثر ارائه «تاریخ سیاسی و فرهنگی دوره‌های سکونت انسان در ایران از ابتدای سکونت تا آغاز حمله مغول» (امین‌پور، ۱۳۹۴: ده) بوده است که مطابق سرفصل‌های وزارت علوم، تحقیقات و فناوری و به منظور استفاده دانشجویان رشته مدیریت جهانگردی عرضه شده است. افزون بر این در ابتدای هر یک از فصول دهگانه کتاب نیز اهداف فصل مورد نظر در دو زیر فصل: *اهداف کلی و اهداف یادگیری* به دقت ذکر شده است.

نویسنده در فصل نخست به تعریف اصطلاحات فرهنگ و ویژگی‌های فرهنگی، تفاوت‌های فرهنگ و تمدن و دیدگاه‌های صاحب‌نظران در خصوص موارد ذکر شده پرداخته است. فصل دوم اثر که با عنوان *تاریخ و فرهنگ ایران در پیش از تاریخ و دوران اساطیری* نام‌گذاری شده است در دو زیر فصل اصلی به شرح تاریخ و ویژگی‌های فرهنگی ایران در اعصار مختلف دوران پیش از تاریخ (عصر سنگ و فلز) و دوران اساطیری اختصاص یافته است.

همچنین با توجه به لزوم آشنایی خواننده با اصطلاحاتی نظیر اسطوره، حماسه و افسانه تعاریفی از این واژگان ارائه شده است. نویسنده در فصل سوم با عنوان *ادیان ایرانی؛ افسانه یا تاریخ* به صورت چکیده به معرفی برخی از ادیان و آیین‌های ایرانی (شامل ادیان طبیعی، میترائیسم و آیین زرتشت) پرداخته است. در فصل چهارم با عنوان *تاریخ و فرهنگ از ایلامی‌ها تا آغاز حکومت مادها* پس از اشاراتی به تاریخ سیاسی و مؤلفه‌های فرهنگی ایلام (از جمله خط، دین، عقاید، هنر و معماری در این دوره) اطلاعاتی در باب قبایل آریایی و چگونگی ورود آن‌ها به ایران، ساختار جامعه، شیوه معیشت و خصوصیات اخلاقی این اقوام پیش از تشکیل حکومت ارائه شده است. *تاریخ و فرهنگ ایران از آغاز حکومت مادها تا پایان هخامنشیان* عنوان فصل پنجم کتاب است که در دو بخش اصلی به شرح تاریخ سیاسی و فرهنگ ایران در ادوار مذکور پرداخته است. در این فصل مواردی نظیر زبان و خط، هنر، دین و آیین‌های مرسوم، چگونگی پوشش و اقتصاد ایران در دوره مادها و هخامنشیان بررسی شده است. نویسنده در فصل ششم تحت عنوان *فرهنگ ایران از ابتدای سلوکیان تا سقوط اشکانیان* پس از ارائه شرحی

مختصر از چگونگی انقراض شاهنشاهی هخامنشی، کوشیده است تحولات فرهنگی ایران در زمان سلوکیان و همچنین فرهنگ ایران عصر اشکانی را بیان کند. تاریخ سیاسی و جنبه‌های مختلف حیات فرهنگی و اجتماعی ایران در دوره ساسانی در فصل هفتم (تاریخ و فرهنگ ساسانیان) مورد بررسی قرار گرفته است. در فصل هشتم با عنوان ورود اسلام به ایران و روند گراییدن ایرانیان به اسلام، شرح موضوعاتی نظیر علل و زمینه‌های سقوط حکومت ساسانی، چگونگی گسترش و پیشرفت دین اسلام در ایران و پیامدهای فرهنگی استقرار مسلمانان در این سرزمین، اوضاع اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی ایران در سده‌های نخست اسلامی و شیوه برخورد ایرانیان با آیین اسلام و فرهنگ اسلامی مورد توجه قرار گرفته است. فصل نهم اثر با عنوان عصر زرین فرهنگ ایران؛ ظهور حکومت‌های ایرانی به بررسی چگونگی ایجاد فرهنگ جدید ایرانی-اسلامی و شکوفایی فرهنگی ایران در سایه تشکیل حاکمیت خاندان‌های مختلف ایرانی اختصاص یافته است. همچنین جلوه‌های حیات فرهنگی ایرانیان پس از تشکیل حکومت دودمان‌های ترک-نژاد نظیر غزنویان، سلجوقیان و خوارزمشاهیان نیز در همین فصل مورد بررسی قرار گرفته است. نویسنده در واپسین فصل اثر (اوضاع فرهنگی،

اجتماعی ایران از ورود اسلام تا حمله مغول) به منظور ارائه جمع‌بندی خود از وضعیت فرهنگی ایران پس از ورود اسلام کوشیده است ضمن اشاره به نقش آیین اسلام در تجدید حیات فرهنگی ایرانیان، جایگاه دانشمندان، ادیبان، عارفان و هنرمندان ایرانی را در پی‌ریزی و اعتلای تمدن اسلامی نشان دهد. همچنین مؤلف در بخش فرجام، ورود آریایی‌ها و آیین اسلام به ایران را تحت عنوان "دو حادثه بزرگ تاریخ‌ساز و فرهنگ‌ساز" (امین‌پور، ۱۳۹۴ : ۲۲۱) به عنوان تأثیرگذارترین وقایع جریان‌ساز در تاریخ فرهنگ این سرزمین مورد توجه قرار داده است.

۲. تحلیل ابعاد شکلی اثر

۲-۱. امتیازات اثر

۲-۱-۱. کیفیت فیزیکی

کتاب تاریخ فرهنگ ایران (۱) به ویژه با توجه به قیمت عرضه آن از کیفیت فیزیکی قابل قبولی برخوردار است. وضعیت مطلوب صحافی اثر سبب شده است که صفحات و جلد کتاب انسجام خوبی داشته باشد. همچنین چسب در عطف کتاب به گونه‌ای تزریق شده است که با خواندن چندباره و استفاده مکرر از اثر، شیرازه آن از هم نمی‌پاشد. از نظر حجم و اندازه نیز کتاب مانند سایر آثار ناشر (انتشارات پیام نور) از قطع

مناسبی برخوردار است. انتخاب قلم مناسب در حروفنگاری آثار تاریخی از موضوعات مهم در انتشار چنین آثاری است که البته چندان نیز مورد توجه ناشران قرار نمی‌گیرد. ضرورت دارد که نوع قلم و اندازه حروف به گونه‌ای انتخاب شود که مخاطب با اثر تاریخی ارتباط برقرار کرده، از مطالعه متن صرف‌نظر نکند. خوشبختانه حروفنگاری اثر حاضر به شیوه مطلوبی انجام شده و ناشر محترم قلم مناسبی را نیز برگزیده است.

۲-۱-۲. کیفیت ویراست

کتاب در مجموع از نظر ویراست علمی و فنی از شرایط خوبی برخوردار است. در حقیقت برخلاف برخی آثار قدیمی‌تر ناشر که بدون ویراستاری مطلوب ادبی روانه بازار نشر می‌شد، این نقص در اثر حاضر به چشم نمی‌خورد و به نظر می‌رسد این کمبود در کتاب‌های جدیدتر ناشر محترم مرتفع شده است. تأثیر ویراستاری ادبی مطلوب اثر در تعداد اندک اغلاط چاپی راه یافته به آن نمایان شده است. همچنین با توجه به دقت نظر نویسندگان و ویراستار علمی اثر که احتمالاً در جایگاه ویراستار ادبی و فنی نیز قرار داشته است، علائم سجاوندی متن نیز به خوبی و به موقع

به کار گرفته شده و قواعد عمومی نگارش به طرز قابل قبولی رعایت شده است.

۲-۱-۳. نظم منطقی و رسایی مباحث اثر

با در نظر داشتن این موضوع که ناشر در چاپ این اثر، همچون دیگر کتب درسی مجموعه در دست انتشار خویش، قالب و اسلوبی مشخص و تا حدودی ضابطه‌مند را در دستور کار مؤلفان قرار داده است، به نظر می‌رسد کتاب از نظم منطقی کلی در متن و عناوین برخوردار است و نویسنده محترم نیز در ارائه اثری متناسب با نیازها و سطح انتظارات دانشجویان موفق عمل کرده است. در حقیقت مؤلف کوشیده است با توجه به اختصاص این اثر به دانشجویان رشته مدیریت جهانگردی، مباحث مطرح شده را به گونه‌ای برگزیند که کتاب از نظر سطح علمی و حجم، خارج از حوصله دانشجویان این رشته نباشد. همچنین میزان روانی و رسایی متن کتاب نیز در سطح مطلوبی قرار دارد و نویسنده توانسته است نظم منطقی و انسجام مطالب هر فصل را که پیوند جدایی-ناپذیری با تسلسل عناوین جزئی و نتیجه‌گیری نهایی دارد، حفظ کند و بدین طریق از عهده برقراری یک نظم منطقی درون فصلی برآمده است.

۲-۲. کاستی‌های اثر

۲-۲-۱. کاستی در عنوان کتاب

عنوان اثر بر روی جلد و همچنین در صفحه شناسنامه کتاب «تاریخ فرهنگ ایران ۱» ثبت شده است که نشانگر این موضوع است که این اثر جلد نخست از یک مجموعه دو یا چند جلدی است. اما نه در مقدمه ناشر یا نویسنده و نه در هیچ بخش دیگری از کتاب اشاره‌ای به وجود این مجموعه، سایر مجلدات آن و همچنین محدوده پژوهشی مورد بررسی هر جلد از مجموعه نشده است. در حقیقت، گستره زمانی مورد پژوهش کتاب در مقدمه ناشر و نویسنده محترم، و حتی در عنوان کتاب (تحت قالب زیر عنوان) قید نشده است. ناشر یا نویسنده تنها به ضمیمه عدد "یک" به عنوان اثر اکتفا نموده‌اند و مخاطب نمی‌داند که محدوده پژوهشی این اثر از آغاز تا پایان کدام سلسله-ها یا ادوار تاریخی ایران را دربرمی‌گیرد. لازم به ذکر است با رجوع به فهرست مطالب می‌توان دریافت که حوزه زمانی مورد توجه در کتاب تاریخ فرهنگ ایران ۱ از دوران پیش از تاریخ و اسطوره‌ای تا پایان سلسله خوارزمشاهیان و هجوم مغول را دربرگرفته است.

۲-۲-۲. کاستی در طرح جلد اثر

ناشر و نویسنده محترم از ارائه شرحی درباره تصویر رو و پشت جلد چشم پوشیده و بدین مهم توجهی نکرده‌اند. بدین‌سان، مخاطب در مواجهه با

کتاب نمی‌داند که کدام یک از آثار هنری و تاریخی ایران بر جلد کتاب به تصویر درآمده است. از سوی دیگر، بر روی جلد کتاب تصویری از مسجد نصیرالملک، از ابنیه تاریخی شهر شیراز متعلق به دوره قاجار نقش بسته است که در گستره زمانی مورد بررسی کتاب قرار ندارد.

۲-۲-۳. کیفیت نامطلوب کاغذ و جلد کتاب

جنس کاغذ به کار رفته برای جلد این اثر به حدی نامناسب و نامرغوب است که همانند بسیاری از دیگر آثار انتشارات پیام نور پس از استفاده مکرر و گذر زمان، رنگ جلد تدریجاً از بین می‌رود و بعد از مدتی کاملاً سفید می‌شود. کیفیت کاغذ به کار رفته در صفحات کتاب نیز در سطح بسیار نازلی قرار دارد که نشان می‌دهد ناشر در این زمینه حاضر به تقبل کمترین میزان هزینه نیز نبوده است.

۲-۲-۴. عدم وجود نمایه

نمایه که حضور آن به عنوان بخشی پراهمیت و ضروری در آثار علمی و پژوهشی غیرقابل انکار است، دربرگیرنده اسامی خاصی است که در هر اثر مطالبی در مورد آن‌ها وجود دارد. این اسامی، اعم از نام اشخاص، مکان‌ها و ... به منظور جستجوی آسان، با ذکر صفحات آن در پایان کتاب ذکر می‌شوند (ملائیتوانی، ۱۳۹۶: ۲۱۵). از این

جهت وجود نمایه‌ای در کتاب «تاریخ فرهنگ ایران» که مملو از اسامی خاص اشخاص و امکنه است، ضروری و لازم به نظر می‌رسد. با وجود این، جای تعجب دارد که اثر حاضر فاقد هرگونه نمایه اعم از موضوعی یا نمایه اشخاص، منابع، مکان‌ها، آیات، روایات و اشعار است. غفلت ناشر و مؤلف محترم از این مهم، تا میزان قابل توجهی موجب کاهش امکان استفاده علمی و پژوهشی از این اثر است.

۲-۲-۵. ایرادات ضبط اسامی

در کتاب حاضر نحوه ضبط اسامی تعدادی از اصطلاحات تخصصی به ویژه نام‌های اماکن و اشخاص با تلفظ‌های قراردادی و مورد تأیید در میان پژوهشگران، مؤلفان و مترجمان ایرانی متفاوت است. از جمله این اصطلاحات می‌توان به اسامی اشخاصی نظیر آستواگس (در اثر به صورت آستیگ/اژدهاک ضبط شده است) (امین‌پور، ۱۳۹۴: ۵۹)، هینتس (در کتاب به هر دو صورت هینتس و هینتس ضبط شده است که ضبط نخست نادرست است) (امین‌پور، ۱۳۹۴: ۴۳)، گوگمل (در کتاب به صورت گوگامل ضبط شده است) (امین‌پور، ۱۳۹۴: ۶۶)، کیریریش (در اثر به صورت گیریریشا ثبت شده است) (امین‌پور، ۱۳۹۴: ۴۵) و موارد فراوانی از این دست اشاره کرد. هرچند با اندکی اغماض

امکان چشم‌پوشی از این نقائص وجود دارد، اما نمی‌توان از اشتباهات و خطاهای فاحش مؤلف در نحوه ثبت و ضبط معادل‌های لاتین به راحتی گذر کرد. کاستی‌های اثر در شیوه درج و نگارش ضبط لاتین برخی از اصطلاحات و اسامی خاص کتاب به گونه‌ای است که به جرأت می‌توان ادعا کرد که ضبط‌های لاتین مورد استفاده مؤلف را در هیچ قاموسی نمی‌توان یافت. از جمله این خطاها می‌توان به چند مورد زیر اشاره کرد:

شماره صفحه	ضبط صحیح	ضبط نادرست کتاب	اصطلاح / اسم خاص
۵۸	Phraortes	Fravartish	فرورتیش
۵۸	Kashtariti	Khschatrita	خشتریته
۶۶	Ochus	Ochos	اوخوس
۲۱	Babylon	Babel	بابل
۴۴	Shutruk-nakhunte	Shutruk-nahunte	شوتروک ناهونته
۴۵	Kiririsha	Giririsha	گیریریشا (گیریریش)

۲-۲-۶. کیفیت نازل و نامطلوب تصاویر و نقشه‌ها

در تمامی متن کتاب تنها از سه نقشه و یک تصویر استفاده شده است. نویسنده و ناشر از هیچ‌گونه جدول، نمودار و طرح کمک آموزشی دیگری سود نچسته‌اند. تصویری سیاه و سفید از استوانه کوروش دوم هخامنشی به عنوان تنها تصویر به کار رفته در کتاب در صفحه ۷۸ به چاپ رسیده است. افزون بر کیفیت بسیار نازل تصویر که سبب عقیم ماندن هرگونه تلاشی برای درک و مشاهده جزئیات این شیء تاریخی است، عدم ذکر منبع اقتباس تصویر (مشمول بر نام اثر اقتباس شده، نام نویسنده، سال چاپ و صفحه مربوطه) نیز خطایی غیرقابل چشم‌پوشی محسوب می‌شود. ایرادات مذکور همچنین در باب نقشه‌های کتاب نیز قابل ذکر است. به علت کیفیت پایین چاپ، اسامی مکان‌های مختلف در نقشه صفحه ۶۷ که نمایانگر قلمرو تحت تسلط شاهنشاهی هخامنشی است، به صورتی ناخوانا درج شده که امکان استفاده از این نقشه را تا حد زیادی کاهش داده است. نقشه صفحه ۱۶۶ نیز افزون بر این که فاقد ذکر منبع اقتباس است، از چنان کیفیت نازلی برخوردار است که حتی ارتباط آن با دوره آل‌بویه به راحتی قابل درک نیست. در باب نقشه صفحه ۱۷۴ نیز علاوه بر ایرادات پیشین، می‌توان به

غیردقیق بودن و عدم درج هرگونه عنوان و توضیح در مورد نقشه از سوی مؤلف اشاره کرد. در مجموع به نظر می‌رسد با وجود کارکرد درسی کتاب حاضر، تأثیر انکارناپذیر استفاده از تصاویر، نمودارها، نقشه‌ها و جداول در درک هر چه بهتر و آسان‌تر مباحث توسط دانشجویان به هیچ‌انگاشته شده است و ناشر و مؤلف محترم تنها به نیت خالی‌نبودن عریضه یا تزئین اثر، تصاویری بی‌بهره از کیفیت و ارزش علمی در آن گنجانده‌اند. امروزه تصاویر کمک آموزشی به عنوان یکی از کاربردی‌ترین شیوه‌ها برای انتقال مفاهیم به نحوی گسترده در آثار پژوهشی به کار گرفته می‌شوند (بران‌دیج، ۱۳۹۶: ۱۰۴). این در حالی است که فی‌نلی از پژوهشگران برجسته در اثر سترگ خویش «استفاده و سوء استفاده از تاریخ» در مواجهه مورخ با مواد فرهنگی، داده‌های باستان‌شناسی و اسناد، تفاوت نگاه مورخ کنونی را در قیاس با مورخ ابتدای سده بیستم میلادی، اینچنین خاطرنشان می‌شود:

“The happy days are gone when historians of antiquity could relegate archeology to a minor ancillary activity that produced picturesque information about private life and art with which to dress up the "real" history derived

from written evidence. The ancient historians today has to accept that history armory includes qualitatively different kinds of evidence which often appear mutually contradictory or at least unrelated.” (FINLEY, 1983: 201)

«آن زمان سپری شد که مورخان باستان، باستان‌شناسی را دست کم گرفته و آن را به فعالیتی فرعی تنزل می‌دادند که تنها اطلاعاتی نیک از منظر زندگی خصوصی و هنر به دست می‌داد و با آن، تاریخ واقعی را که برگرفته از اسناد مکتوب است، می‌پیراست. مورخان باستان، امروزه باید بپذیرند که زرادخانه تاریخ شامل انواع اسناد و مدارکی است که غالباً متباین و نامرتب به نظر می‌رسند.» (فینلی، ۱۹۸۳: ۲۰۱).

۷-۲-۲. کاستی در کتابنامه و ارجاعات

کتابنامه اثر هرچند به شیوه‌ای ضابطه‌مند و براساس ساختاری منظم نگاشته شده است، مشحون از ناهماهنگی‌هایی در به کار بردن علائم سجاوندی است. در جایی، پس از ذکر تاریخ تألیف اثر از هیچ‌گونه علامتی استفاده نشده است، در حالی که در جای دیگر علامت ویرگول (،) و در جای دیگری علامت نقطه ویرگول (؛) به کار رفته است. چنین ایراداتی در نحوه ضبط اسامی نیز به

چشم می‌خورد. برای مثال، مؤلف از سه اثر ریچارد نلسون فرای بهره برده که نام و نام خانوادگی این مورخ و باستان‌شناس آمریکایی در هنگام ارائه اطلاعات کتابشناسی این آثار با سه شیوه متفاوت ضبط شده است (امین‌پور، ۱۳۹۴: ۲۲۷). وجود نقائص فراوانی از این دست، دانشجویان و مخاطبان کتاب را در تشخیص هویت یک نویسنده یا نویسندگان به خطا می‌اندازد. همچنین در موارد متعددی میان اطلاعات مندرج در ارجاع درون متنی یک منبع، با اطلاعات درج شده همان منبع در کتابنامه تفاوت وجود دارد. برای نمونه:

بر طبق مندرجات ارجاع درون متنی صفحه ۱۱۱ سطر ۲۰، سال چاپ کتاب «ایران در زمان ساسانیان» اثر آرتور امانوئل کریستنسن ۱۳۷۰ ش. ذکر شده است، در حالی که سال چاپ همین اثر در کتابنامه ۱۳۸۸ ش. آورده شده است. نقیصه تفاوت سال چاپ در ارجاع درون متنی و کتابنامه همچنین در صفحات و موارد زیر مشاهده می‌شود: در صفحه ۲۰۰ سطر ۱۲، سال چاپ اثر در ارجاع درون متنی ۱۳۶۳ ش. و در کتابنامه ۱۳۱۷ ش. ذکر شده است. در صفحه ۲۰۳ سطر ۲۵، سال چاپ اثر در ارجاع درون متن ۱۳۸۶ ش. و در کتابنامه ۱۳۸۲ ش. آمده است. در صفحه ۲۰۸ سطر ۱۶، سال چاپ اثر

در ارجاع درون متن ۱۳۴۳ش. و در کتابنامه ۱۳۸۶ش. ذکر شده است. در صفحه ۲۱۸ سطر ۱، سال چاپ در ارجاع درون متنی ۱۳۸۷ش. و در کتابنامه ۱۳۷۸ش. درج شده است. منبع مورد اشاره در ارجاع سطر ۲۰ صفحه ۲۱۷ که به صورت (حاتم، ۱۳۸۳ : ۱۰۲) درج شده است نیز در کتابنامه وجود ندارد.

همچنین در نگارش آثار علمی-پژوهشی و دانشگاهی شایسته است در هنگام ارجاع به متن کتب و منابع اصلی تاریخی به ویژه آثار کهن بنیادین یونانی و رومی، به منظور دسترسی آسان‌تر خوانندگان به مطلب موردنظر در منبع اصلی، علاوه بر ذکر سال چاپ و صفحه، به شماره فصل یا بخش، بند و زیربند اثر مورد استناد نیز اشاره شود. برای نمونه: بهتر بود مؤلف در ارجاع به تاریخ هرودوت در صفحه ۶۱، علاوه بر ذکر صفحه و سال چاپ در ارجاع درون متنی، در پاورقی نیز اشاره می‌کرد که از کدام بند و زیربند هر یک از کتب نه‌گانه تاریخ هرودوت بهره برده است.

۲-۲-۸. تاریخ‌گذاری و سالشماری وقایع

زمان و تاریخ وقوع رویدادها (در کنار مکان حدوث وقایع و نیز اشخاص مؤثر در آن) به عنوان یکی از سه رکن اصلی پژوهش‌های تاریخی مورد توجه است. این در حالی است که خطاها و

اشتباهات متعدد موجود در متن اثر در زمینه ذکر تاریخ و زمان وقوع برخی از رویدادها و وقایع مهم تاریخی، درک مفهوم حوادث تاریخی را مشکل و ناممکن ساخته است (میرجعفری و نورائی، ۱۳۸۸: ۶۱). برای نمونه: اعلام تاریخ ۲۲۶ م. برای سقوط اردوان، واپسین فرمانروای سلسله اشکانی و آغاز حکمرانی ساسانیان (امین‌پور، ۱۳۹۴: ۱۰۲). گفتنی است علاوه بر این که بر اساس اطلاعات موجود اردوان پنجم (در برخی متون اردوان چهارم) آخرین شاه اشکانی نبوده است و پس از او افرادی - از قبیل بلاش ششم که تا چند سال بعد از استقرار ساسانیان بر اریکه قدرت هنوز مغلوب نشده بود- از همین خاندان داعیه فرمانروایی داشته‌اند، در عمده تحقیقات و آثار معتبر پژوهشی سال ۲۲۴ م. به عنوان تاریخ شکست این شاه اشکانی درج شده است (ولسکی، ۱۳۹۳: ۲۱۷-۲۱۸). در حقیقت این تاج‌گذاری اردشیر بابکان، مؤسس سلسله ساسانی است که در تاریخ ۲۲۶ م. رخ داده است (کریستنسن ۱۳۸۴: ۱۰۰). همچنین مؤلف محترم در سطر بعدی سال ۶۳۱ میلادی را به عنوان تاریخ سقوط سلسله ساسانی ذکر کرده است (امین‌پور، ۱۳۹۴: ۱۰۲)؛ در حالی که سقوط این سلسله را غالباً با مرگ یزدگرد سوم در سال ۶۵۱-۲ م. در نظر می‌گیرند. نکته قابل

توجه این است که یزدگرد سوم آخرین شاه ساسانی در تاریخی میان ژوئن ۶۳۲ م. تا ژوئن ۶۳۳ م. بر تخت نشسته است (جلیلیان، ۱۳۹۷: ۵۶۰-۵۶۱) و به عبارت دیگر در سال ۶۳۱ م. نه تنها هنوز واپسین شاه این سلسله تاج‌گذاری نکرده بود، بلکه زمان نبردهای سرنوشت‌سازی همچون قادسیه و نهاوند نیز فرا نرسیده بود.

۲-۲-۹. اشکالات صفحه‌آرایی

صفحه‌آرایی اثر در مجموع از کیفیت متوسطی برخوردار است. لازم به ذکر است با توجه به ماهیت کتب درسی و دانشگاهی که بخش اعظم مخاطبان آن را دانشجویان تشکیل می‌دهند، صفحه‌آرایی اثر تا اندازه‌ای مناسب می‌نماید. اما از سویی در بررسی همه جانبه، به ویژه با در نظر داشتن پیشرفت‌های نوین در زمینه انتشار کتب و مقایسه کیفیت صفحه‌آرایی کتاب «تاریخ فرهنگ ایران» با میانگین کیفیت آثار موجود در بازار نشر، نمی‌توان نمره و امتیاز مطلوبی برای این اثر در نظر گرفت. همچنین نباید فراموش کرد که به موجب فقدان وجود تصاویر، نقشه‌ها، جداول و نمودارهای متعدد (همان‌گونه که اشاره شد در تمامی متن کتاب تنها از چهار تصویر و نقشه، آن هم با کیفیتی بسیار پایین استفاده شده است) که در صفحه‌آرایی اثر نقشی

کلیدی ایفا می‌نمایند، قضاوت در این زمینه چندان آسان نیست. افزون بر این، همان چهار تصویر موجود در اثر نیز از جایگذاری و جایابی مناسبی بهره‌مند نشده است. با توجه به این مسائل این‌گونه به نظر می‌رسد که هدف ناشر پیش و بیش از هر چیز کاهش هزینه‌های تولید، به جهت دسترسی هر چه آسان‌تر خوانندگان و دانشجویان به کتاب است، اما با وجود این، می‌توان چنین پنداشت که ناشر محترم از طریق مدیریت و تعدیل هزینه‌ها، قادر بود اثری به مراتب باکیفیت‌تر را در اختیار مخاطبان قرار دهد. لازم به ذکر است که این مسئله نه تنها در مورد ناشر محترم دانشگاه پیام نور، بلکه در ارتباط با دیگر ناشران دانشگاهی نیز قابل ذکر و تأمل است.

۳. تحلیل ابعاد محتوایی اثر

۳-۱. انطباق و جامعیت اثر

در زمینه انطباق و جامعیت، نویسنده تمامی کوشش خویش را مبذول داشته تا عنوان اثر و مندرجات فهرست مطالب با محتوا و متن کتاب همخوانی لازم را داشته باشد و در مجموع می‌توان قضاوت کرد که تا حدی از عهده این کار بر آمده است. نگاهی به فهرست مطالب کتاب نشان می‌دهد که مؤلف طرح نسبتاً خوب و مناسبی را برای

ارائه به دانشجو (و نه پژوهشگر) پی افکنده است. در حقیقت هرچند بهتر بود که در فصل نهم که بخش عمده‌ای از آن به بررسی تاریخ فرهنگ در دوره حکومت‌های متقارن اختصاص یافته است از روشی دیگر برای طبقه‌بندی استفاده می‌شد، اما در مجموع طبقه‌بندی کتاب براساس ادوار تاریخی برای استفاده و مطالعه مخاطبان غیر متخصص را -که آشنایی چندانی با مباحث پیچیده تاریخ فرهنگ ندارند- می‌توان شیوه مناسبی تلقی کرد.

۲-۳. نقد منابع

منابع و مآخذ مورد استفاده مؤلف همگی در کتابنامه اثر که در انتهای کتاب درج شده است، ذکر شده‌اند و جایگاهی برای معرفی جداگانه منابع هر فصل در نظر گرفته نشده است. در زمینه‌ی گزینش منابع باید گفت که کتاب حاضر از منابع و مقالات لاتین بی‌بهره است و از میان تحقیقات پژوهشگران و محققان غیرایرانی نیز تنها به استفاده از ترجمه آثار که پیش از این به فارسی برگردانده شده‌اند، اکتفا کرده است (البته در سطر یازدهم صفحه ۶۶ کتاب، مؤلف به استفاده از اثری به زبان اصلی از Huart (هوار) اشاره کرده است که تنها اطلاعات نسخه‌ی برگردان فارسی آن در کتابنامه اثر درج شده است. در حقیقت مشخص نیست که مؤلف محترم

به نسخه اصلی کتاب نظر داشته یا از برگردان فارسی آن بهره برده است). همچنین با توجه به این که بیشترین ارجاعات کتاب به منابع تألیفی و ترجمه، به آثار مربوط به بیش از پنجاه سال پیش (که بسیاری از آنها امروزه اعتبار و مرجعیت خود را تا حد زیادی از دست داده‌اند) بازمی‌گردد، میزان اعتبار منابع از نظر علمی و پژوهشی، در سطح نازل و پایینی قرار دارد و به ویژه برای استفاده پژوهشگران کنونی بسیار ناکارآمد و ضعیف می‌نماید. این موضوع سبب شده است که در کتاب فرهنگ ایران امکان بذل توجه چندانی به رویکردهای نوین در روش تحقیق مدرن و اصول منبع‌دهی علمی وجود نداشته باشد. در حقیقت، کتابشناسی ارائه‌شده از سوی نویسنده روزآمد نیست و در مقام ناقد، با اثری مواجه هستیم که با وجود نگارش در اواسط دهه نود هجری شمسی، برای تبیین موضوعات مورد توجه و علاقه پژوهشگران امروزی، از منابع جدید و به ویژه دقیق و تخصصی بهره‌ای ندارد. از میان منابع قدیمی مورد استفاده مؤلف که امروزه با توجه به دگرگون شدن روش‌های تحقیق در تاریخ از اعتبار چندانی برخوردار نیستند، می‌توان به موارد فراوانی اشاره کرد. برای نمونه: مؤلف در سطور ۱۲ تا ۱۴ صفحه ۹۲ مطلبی

را از صفحه ۲۰۸ کتاب «تاریخ امپراتوری اشکانیان» اثر آندره ورستاندیگ نقل کرده است (که البته با رجوع به این کتاب می‌توان دریافت که چنین مطلبی در این صفحه از این اثر نیامده است). گفتنی است این کتاب که توسط انتشارات جامی و با ترجمه محمود بهفروزی به چاپ رسیده است از لحاظ ارجاع‌دهی، منبعی بسیار نامعتبر محسوب می‌شود. در توضیح باید گفت که ورستاندیگ، مؤلف اثر مذکور یک دندان‌پزشک فرانسوی (و نه مورخ یا محقق) است که تنها با رجوع به چند منبع لاتین به نگارش این اثر - اقدام کرده است. روشن است که چنین اثری در مجامع علمی داخلی و بین‌المللی فاقد اعتبار و پذیرش به عنوان یک منبع قابل استناد است. همچنین می‌توان به استفاده مؤلف از کتب «تاریخ ایران باستان» اثر حسن پیرنیا در صفحه ۶۰ سطر ۱۷ و «تاریخ ایران باستان (۲)» اثر شیرین بیانی در صفحه ۶۱ سطر ۱۹ نیز اشاره کرد که با توجه به پژوهش‌ها و کاوش‌های جدید مورخان و باستان‌شناسان تا میزان زیادی از درجه اعتبار علمی ساقط شده‌اند. از سوی دیگر، در بخش‌های متعددی از کتاب، مباحثی طولانی و نیازمند ارجاعات و ذکر مأخذ مطرح شده است که به منبع اخذ این مطالب اشاره‌ای نشده است. از میان این

موارد که در جای‌جای کتاب به چشم می‌خورد می‌توان به صفحات ۵۲ (پاراگراف سوم)؛ ۷۱ (پاراگراف‌های اول و دوم)؛ ۱۰۲ (پاراگراف اول)؛ ۱۱۴، ۱۱۶ (پاراگراف‌های اول و دوم) و ... اشاره کرد.

۳-۳. بررسی میزان روزآمدی و نوآوری اثر

به نظر می‌رسد به علت ناکارآمد بودن داده‌ها و اطلاعات موجود در اثر حاضر برای یک پژوهشگر امروزی، کتاب «تاریخ فرهنگ ایران ۱» از نظر میزان روزآمدی و همخوانی با نیازهای روز جامعه پژوهشی در وضعیت مطلوبی قرار ندارد. این ناکارآمدی داده‌ها که در نهایت منجر به عدم روزآمدی اثر شده است، بیش از هر چیز ناشی از کهنه و تکراری بودن بیشترین آثار و منابع مورد ارجاع در کتاب، و همچنین عدم توجه مؤلف به نتایج پژوهش‌های بیروز و جدید است. این در حالی است که در نگارش اثری از این نوع، شایسته بود نویسنده گرامی مبحثی هر چند بسیار کوتاه و مؤجز را در انتهای هر فصل به یادداشت‌ها اختصاص می‌داد و در همین بخش، به برخی از مهم‌ترین و مورد بحث‌ترین نظرگاه‌های جدید و بیروز پژوهشگران بنام و مطرح داخلی و بین‌المللی اشاره می‌کرد. عدم توجه و پرداختن به چنین موضوعاتی سبب شده است که کتاب تنها برای

ارائه در کلاس‌های درس، و آن هم در رشته‌های نه-چندان مرتبط با تاریخ قابل استفاده باشد. البته در مقام مقایسه به نظر می‌رسد کتاب «تاریخ فرهنگ ایران ۱» به رغم تمام کاستی‌های ذکر شده به نسبت آثار پژوهشی هم عرض خود متوسط ارزیابی می‌شود و همچنین امکان ارتقاء اثر در چاپ‌ها و ویرایش‌های بعدی وجود دارد. در زمینه میزان نوآوری مؤلف در نگارش اثر نیز باید گفت که با بررسی دقیق‌تر کتاب و به ویژه با مقایسه آن با انبوه آثاری که در سال‌های اخیر درباره تاریخ فرهنگ ایران به نگارش درآمده است (خصوصاً آثار میان‌رشته‌ای مرتبط با موضوع کتاب) می‌توان این‌گونه قضاوت کرد که نوآوری و خلاقیت اعم از طرح نظریه یا نظریات علمی جدید، ارائه ساختار علمی نو، به کارگیری ادبیات روزآمد یا طرح افق‌های نوین در بررسی‌های آتی در این کتاب جایی ندارد. به عبارت دیگر، در کتاب «تاریخ فرهنگ ایران ۱» هر آن چه در زمینه طرح پرسش و ارائه نظریات علمی به چشم می‌خورد، برگرفته از دیدگاه‌های متقدمان این حوزه است. بدین‌سان، همان‌گونه که پیش از این اشاره شد، کتاب حاضر برای پژوهشگران و به ویژه ایران‌شناسان سخن نویی ندارد و تنها در

جایگاه اثری عمومی برای درک بهتر تاریخ فرهنگ ایران قابل بررسی است.

۳-۴. نقد وضعیت تحلیل و بررسی

با توجه به این که محتوا و عمق مطالب مطروحه در اثر تنها بازگوکننده مباحثی پیش پا افتاده و عامه‌پسند حول محور تاریخ و فرهنگ ایران از دوره پیش از تاریخ تا زمان هجوم مغول است، باید در نظر داشت که مبنای داوری، قضاوت درباره اثری است که در حوزه پژوهش‌های تاریخی نوین و بنیادین جایگاهی ندارد و در حقیقت در شمار تحقیقات عمومی جای می‌گیرد. روشن است که در تألیف این گونه آثار، به علت اجبار مؤلف به پرداختن به گستره وسیعی از مباحث، مجال چندانی برای تحلیل و بررسی علمی موضوعات مختلف وجود ندارد. با این حال، همان اندک تحلیل‌های بسیار کوتاه مؤلف نیز (که آن هم برگرفته از آثار سایر محققان و مورخان است) برای مورخ و پژوهشگر امروزی که با انبوهی از داده‌های جدید و نو عصر خویش سر می‌کند، ناکارآمد و بی‌فایده می‌نماید. همچنین تحلیل‌های اثر از حیث کیفیت و استناد در درجه بالایی قرار ندارند و مؤلف محترم هرگز نتوانسته است چه در مقام ناقل و چه به عنوان ناقد نظریات و دیدگاه‌های موجود، عملکرد قابل توجهی نشان

دهد. به رغم وظیفه مؤلفان آثار تاریخی مبنی بر ارائه یک جمع‌بندی و ارزیابی نهایی در پایان تحقیقات خود که به سبب پرهیز از رهاکردن مخاطب با انبوهی از اطلاعات و حقایق انجام می‌شود (میرجعفری و نورائی، ۱۳۸۸: ۱۵۷)، نتایج حاصل از این پژوهش ۲۳۰ صفحه‌ای تنها در یک پاراگراف ۷ سطری (صفحه ۲۲۲، پاراگراف آخر) و به نحوی بسیار مؤجز و در عین حال، عاری از محتوای یک اثر پژوهشی بنیادین بیان شده است. افزون بر این، به رغم این‌که نویسنده تا حد امکان کوشیده است رعایت بی‌طرفی علمی را در امر پژوهش سر لوحه کار خود قرار دهد، واپسین مباحث کتاب به گونه‌ای احساسی به نگارش درآمده (صفحه ۲۲۲، پاراگراف آخر) و در نتیجه مطلب مذکور بدون در نظر داشتن اسلوب و شیوه نقد علمی به انجام رسیده است. به عنوان نمونه، خواننده در هنگام مطالعه همین یک بند مورد اشاره در صفحه ۲۲۲، با واژگان و عبارات ارزشی فراوانی مواجه می‌شود که گاه توسط برخی از مورخان سنتی بومی برای بیان ستایش و ارائه خصایص قومی و فرهنگی ملت خویش مورد استفاده قرار می‌گیرند. بنابراین نویسنده از به کار بستن تحلیلی هوشمندانه و علمی در جهت بررسی عوامل زیربنایی چگونگی قوام یافتن فرهنگ

ایرانی سرباز زده و در عوض، تنها به درج چند واژه پرطمطراق ارزشی بسنده کرده است.

۳-۵. چگونگی بهره‌گیری از ابزارهای لازم علمی

کتاب از مؤلفه‌های جامعیت صوری و نیز ابزارهای علمی لازم مانند طرح بحث مقدماتی تفصیلی، نتیجه تفصیلی و جمع‌بندی نهایی برخوردار نیست. نویسنده طرح بحث پژوهشگرانه‌ای ارائه نمی‌دهد و در بخش نتیجه‌گیری نیز بسیار سطحی و خلاصه عمل کرده است. در دنیای امروز، کتاب همچنان با وجود ظهور بسیاری از ابزارهای نوین، در جایگاه نخست ابزارهای آموزشی و علمی قرار دارد. اما برای ادامه رقابت و حفظ این جایگاه، ضرورت دارد که کتاب‌های درسی بتوانند با استفاده از مؤلفه‌های جامعیت صوری و ابزارهای علمی به مانند تصاویر، نقشه‌ها، شکل‌ها، نمودارها و... انتقال مطالب را آسان‌تر و لذت‌بخش‌تر نمایند. همان‌طور که پیش از این نیز اشاره شد، به وجود این‌گونه ابزارها در کتاب حاضر عنایت و توجه چندانی مبذول نشده است، زیرا در این اثر از جداول و نمودارها خبری نیست و بر این اساس، به نظر می‌رسد ۳ نقشه و تنها تصویری که توسط مؤلف مورد استفاده قرار گرفته است (این موارد پیش از این در بخش دوم این پژوهش مورد بررسی قرار گرفته است)، نیز

بیش از هر چیز برای خالی نبودن عریضه به کار گرفته شده‌اند.

۳-۶. بررسی میزان سازگاری و سازواری اثر با مبانی و پیش‌فرض‌های اثر

استفاده از عنوان «تاریخ فرهنگ ایران» بر روی جلد اثر حاضر این انتظار را در ذهن خواننده به وجود می‌آورد که کتاب بیش از هر چیز به فرهنگ و مؤلفه‌های گوناگون فرهنگی و تمدنی از قبیل هنرها و صنایع، آداب و رسوم، ادبیات، عقاید دینی و مذهبی و سایر جنبه‌های حیات اجتماعی و فرهنگی ایرانیان در طول تاریخ پرداخته باشد. اما به نظر می‌رسد نویسنده با وجود کوشش قابل تقدیر خود در توجه به مباحث و موضوعات گوناگون فرهنگی، همیشه و در تمامی بخش‌های اثر به انجام چنین کاری توفیق نیافته است و گاه حتی از طرح مباحث اصلی و لازم دور شده، به بیراهه زده است. در توضیح می‌توان اشاره کرد که لازمه طبقه‌بندی مطالب کتاب درحوزه تاریخ فرهنگ و تمدن بر مبنای سلسله‌ها و ادوار تاریخی، این است که ابتدا به عنوان باب ورود به موضوع اصلی، مباحثی حول محور تاریخ سیاسی دوره تاریخی مورد نظر بیان شود. به عنوان نمونه، در هنگام بررسی حیات فرهنگی ایرانیان در دوره ساسانی به ناچار باید در

آغاز به چگونگی تأسیس این حکومت، مبنایها و اصول مشروعیت فرمانروایان این سلسله، وقایع سیاسی مهم این دوره و همچنین چگونگی فراهم شدن موجبات ضعف و در نهایت فروپاشی این شاهنشاهی پرداخته شود. اما مسئله حائز اهمیت این است که نباید در شرح تاریخ سیاسی دوره مورد نظر افراط کرد و بیش از حد لازم و کافی بدان پرداخت. چنین ایراداتی در بخش‌هایی از اثر حاضر، به ویژه در فصل نهم (تحت عنوان عصر زرین فرهنگ ایران؛ ظهور حکومت‌های ایرانی) به چشم می‌خورد. نویسنده در فصل مذکور به شرح و بررسی تحولات و شرایط فرهنگی ایران در قرون نخست اسلامی و در دوره تشکیل نخستین حکومت‌های مستقل و نیمه مستقل ایرانی پرداخته است. شیوه کار بدین صورت است که پس از شرح تاریخ سیاسی هر سلسله حکومتی، به اقدامات فرهنگی و اجتماعی صورت گرفته در دوره مورد نظر اشاراتی شده است. در کارآمد بودن نسبی این شیوه برای شرح حیات فرهنگی در هر دوره شکی وجود ندارد، اما موضوع این است که به عنوان نمونه حجم مطالب مندرج در باب تاریخ سیاسی طاهریان در حدود دو تا سه برابر بیش از بخشی است که به بحث درباره علاقه طاهریان به فرهنگ و ادب اختصاص یافته است (صفحات ۱۵۲ و ۱۵۳). همچنین

تاریخ سیاسی حکومت صفاریان حجمی در حدود دو صفحه را اشغال کرده است، درحالی که تنها در پانزده خط به اقدامات فرهنگی آنان پرداخته شده است (صفحات ۱۵۳ تا ۱۵۶). افزون بر این، مؤلف محترم در شرح چگونگی به قدرت رسیدن یعقوبلیث تنها به ذکر ارتباط مؤسس سلسله صفاری با عیاران و پیوستن وی به آنان اشاره کرده است. این در حالی است که چیستی و هویت جنبش عیاری و مرام، مسلک و خواسته‌های این افراد می‌توانست به عنوان بخش مهمی از حیات فرهنگی و اجتماعی مردمان سیستان و شرق ایران مورد توجه قرار گیرد. در حقیقت شرح مؤلف از اقدامات فرهنگی صفاریان تنها به اشاره‌ای کوتاه به سهم و نقش یعقوب در توجه دوباره به زبان فارسی و پیدایش شعر فارسی محدود شده است (امین‌پور، ۱۳۹۴: ۱۵۶). این ایرادات به گونه‌ای وسیع‌تر در مورد علویان طبرستان وجود دارد. توضیح این که حکومت علویان طبرستان به علت برخورداری از دیدگاه‌های خاص مذهبی و گرایش به مذهب شیعه و نوع خاص حکومت خود می‌توانستند به عنوان فصل مهمی در تاریخ فرهنگ و به ویژه فرهنگ دینی ایران پس از اسلام مورد توجه قرار گیرند، در حالی که مؤلف محترم در مجموع تنها به شرح چکیده‌ای از تاریخ سیاسی این حکومت

پرداخته، فقط به ذکر اشاراتی در علاقمندی مردم محلی به سادات و علویان اشاره کرده است (صفحات ۱۵۶ و ۱۵۷). نمونه دیگر این ایراد را می‌توان در پایان فصل و مطالبی که در باب دوره خوارزمشاهیان آورده شده است، مشاهده کرد (صفحات ۱۸۵ تا ۱۸۸).

۳-۷. نقد و تحلیل میزان کاربرد اثر در برنامه‌های آموزشی

به نظر می‌رسد کتاب با توجه به طرح کلی نسبتاً مناسبی که مؤلف در فهرست پی افکنده است، بتواند به عنوان منبع مناسبی برای ارائه به دانشجوی (و نه پژوهشگر) مورد استفاده قرار گیرد. البته باید در نظر داشت که مراد تنها دانشجویان رشته مدیریت جهانگردی است، زیرا اثر حاضر کاربردی برای دانشجویان رشته تاریخ ندارد. از سوی دیگر، اگر این کتاب با همین مشخصات و ویژگی‌ها در اوایل دهه شصت شمسی به زیور چاپ آراسته می‌شد، می‌توانست به عنوان یک منبع درسی اصلی یا فرعی در برخی از دروس رشته‌هایی مانند تاریخ، تاریخ اجتماعی یا تاریخ هنر قرار گیرد، اما در حال حاضر با در نظر داشتن نیازهای روز جامعه پژوهشی و دانشجویان، حتی با انجام برخی اصلاحات عمیق و فراگیر که امید می‌رود مؤلف در چاپ‌های بعدی

صورت دهد نیز با توجه به آخرین سرفصل‌های مصوب وزارت علوم، تحقیقات و فناوری تنها به عنوان منبعی درسی برای دانشجویان رشته مدیریت جهانگردی قابل پیشنهاد خواهد بود.

۴. جمع‌بندی، نتیجه‌گیری و پیشنهادات

۴-۱. نتیجه‌گیری

«تاریخ فرهنگ ایران ۱» در مقام یک کتاب آموزشی و به نسبت حجم خود اثری است جامع که براساس طرح کلی مناسبی به ارزش دو واحد درسی تألیف شده است، اما با توجه به وجود ایرادات مهم و عمیق که به برخی از آن‌ها در بخش‌های مختلف این پژوهش اشاره شد، نمی‌تواند در مقام متنی تحلیلی و پژوهشی نمره قبولی دریافت کند. گفتنی است مؤلف محترم با وجود تلاش قابل تقدیر خود موفق نشده است میان بخش‌های مختلف اثر ارتباط خاصی برقرار سازد یا حجم معقول و مناسبی را به بررسی هر یک از جنبه‌ها و مؤلفه‌های حیات فرهنگی ایرانیان در طول تاریخ اختصاص دهد. از سوی دیگر، متن کتاب گاه از هدف و غایت اصلی خود که همانا بررسی تاریخ فرهنگ ایران تا آستانه هجوم مغولان است دور شده و با پرداختن بیش از حد لزوم به موضوعاتی مانند تاریخ سیاسی ادوار مختلف به بیراهه زده است. همچنین در مواردی از اشاره

به برخی از مؤلفه‌های مهم در تاریخ فرهنگ ایران اجتناب شده است و گاه مباحثی مورد توجه قرار گرفته‌اند که در اثری چنین، پرداختن بدان-ها ضرورتی نداشته است. یکی از ضعف‌های مهم اثر این است که به رغم این‌که به عنوان متنی درسی برای دانشجویان رشته مدیریت جهانگردی وظیفه دارد مخاطبان خود را به مطالعه تاریخ و تحقیق در جنبه‌های مختلف حیات فرهنگی ایران در طول زمان علاقه‌مند سازد، به علت عدم برخورداری از جذابیت‌های صوری و کلامی و همچنین غیرکاربردی بودن برخی از مباحث مطروحه، نمی‌تواند نقشی در افزایش انگیزه دانشجوی جوان امروزی ایفا کند. افزون بر این، در نظر نگرفتن دیدگاه‌های پژوهشی و علمی جدید، استفاده از منابع اطلاعاتی و تحلیلی قدیمی و همچنین عدم به کارگیری شیوه تحلیلی در تاریخ‌نگاری از سوی نویسندگان، کتاب را در سطح و جایگاه یک گردآوری توصیفی صرف از مباحث موردنظر پایین آورده است. در نتیجه، در خاتمه باید اشاره کرد که جای نگارش و انتشار آثار بهتری وجود دارد، آثاری که حجم بیشتری را به تحلیل اختصاص داده، دانشجویان را به تفکر وادار سازند و به جای این‌که به مثابه متنی توصیفی و خشک که

تنها باید حفظ شود درآیند، روحیه پرسشگری را در مخاطب برانگیزند.

۲-۴. پیشنهادات

در پایان، پیشنهاداتی دوستانه و خیرخواهانه برای چاپها و ویراستهای بعدی تقدیم ناشر و نویسنده گرامی اثر می‌شود:

۱. تجدیدنظر در بهره‌گیری از برخی منابع قدیمی، و توجه به نتایج پژوهش‌های جدیدتر: پیشنهاد می‌شود در ویراستهای بعدی توجه بیشتری به استفاده از منابع روزآمد فارسی و لاتین مبذول شود. همچنین در استفاده از برخی از منابع خارجی که به فارسی برگردانده شده‌اند، به ترجمه‌های با کیفیتتر رجوع شود. به عنوان نمونه، دو برگردان فارسی مختلف از کتاب «امپراتوری هخامنشی؛ از کوروش تا اسکندر» پی-یر بریان ایران‌شناس فرانسوی منتشر شده است که بهتر است از ترجمه ناهید فروغان استفاده شود.^۲ از سوی دیگر، هرچند به علت عدم تخصص مؤلف در تاریخ ایران باستان نمی‌توان چندان به بهره‌گیری ایشان از منابع نه چندان بیروز در بخش‌های مربوط به تاریخ این دوره خرده گرفت، اما وجود این نقص در حوزه ایران پس از اسلام قابل چشم‌پوشی نیست. متأسفانه جای خالی نتایج پژوهش‌های جدید و استفاده از مآخذ روزآمد در

این محدوده تاریخی نیز به طور آشکار احساس می‌شود. برای مثال، شاید بهره‌گیری نویسنده از آثار نسبتاً جدیدی مانند «حیات علمی در روزگار سامانیان» تألیف احسان ذنون ثامری،^۳ «تاریخ، تمدن و فرهنگ ایران در عصر آل‌بویه» اثر صادق حجتی،^۴ و دو اثر «غزنویان از پیدایش تا فروپاشی»^۵ و «سلجوقیان از آغاز تا انجام»^۶، هر دو به قلم سید ابوالقاسم فروزانی بتواند روح تازه‌ای به کالبد اثر بدمد.

۲. به کارگیری برخی ابزارهای علمی نظیر نقشه، تصاویر با کیفیت، جداول و نمودارها
۳. توجه بیشتر به شیوه‌های نوین نگارش متون تاریخی و تحلیل مباحث

۴. تقسیم کتاب به دو پاره اصلی پیش و پس از ورود اسلام به ایران، به صورتی که پاره نخست توسط یک پژوهشگر متخصص در تاریخ ایران دوره باستان نگاشته شود و وظیفه تألیف پاره دوم نیز بر عهده یک متخصص تاریخ ایران پس از اسلام و به ویژه قرون نخست اسلامی قرار گیرد.

۵. تلاش در ایجاد روحیه پرسش‌گری و تحقیقی از طریق ارائه پیشنهاداتی در باب انجام طرح‌ها و تحقیقات پژوهشی دانشگاهی به دانشجویان در پایان هر فصل کتاب.

پی‌نوشت‌ها

۱. از جمله این آثار می‌توان به دو نمونه زیر اشاره کرد که مشحون از اغلاط چاپی و همچنین خطاهای متعدد در ارائه سالشماری وقایع و رخداد‌های تاریخی هستند:
 - شیخ‌نوری، محمدامیر (۱۳۹۰). *تاریخ تحولات سیاسی، اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی ایران از ورود اسلام تا پایان حکومت علویان طبرستان*، چاپ پنجم، تهران: پیام نور.
 - شیخ‌نوری، محمدامیر (۱۳۸۷). *تاریخ بیزانس*، چاپ دوم، تهران: پیام نور.
۲. بریان، پی‌یر (۱۳۹۲). *امپراتوری هخامنشی*، ترجمه ناهید فروغان، چاپ چهارم، تهران: قطره و فرزانه روز.
۳. ذنون سامری، احسان (۱۳۹۴). *حیات علمی در روزگار سامانیان (تاریخ فرهنگی خراسان در قرن سوم و چهارم هجری)*، ترجمه جمال اشرفی، تهران: شرکت انتشارات علمی و فرهنگی.
۴. حجتی، صادق (۱۳۹۳). *تاریخ، تمدن و فرهنگ ایران در عصر آل‌بویه*، تهران: بنگاه ترجمه و نشر کتاب پارسه.

۵. فروزانی، ابوالقاسم (۱۳۹۳). *غزنویان از پیدایش تا فروپاشی*، چاپ هفتم، تهران: سمت.
۶. فروزانی، ابوالقاسم (۱۳۹۳). *سلجوقیان از آغاز تا فرجام*، تهران: سمت.

منابع و مآخذ

- آرنولد، جان ایچ. (۱۳۹۵). *تاریخ*، ترجمه احمدرضا تقاء، تهران: ماهی.
- امین‌پور، صالح (۱۳۹۴). *تاریخ فرهنگ ایران*، تهران: پیام نور.
- بران‌دیج، آنتونی (۱۳۹۶). *رویارویی با منابع: راهنمای پژوهش و نگارش تاریخ*، ترجمه محمد عفوری، تهران: سمت.
- جلیلیان، شهرام (۱۳۹۷). *تاریخ تحولات سیاسی ساسانیان*، تهران: سمت.
- کریستن‌سن، آرتور (۱۳۸۴). *ایران در زمان ساسانیان*، ترجمه رشید یاسمی، تهران: نگاه.
- ملائیتوانی، علیرضا (۱۳۹۶). *درآمدی بر روش پژوهش در تاریخ*، چاپ یازدهم، تهران: نی.
- میرجعفری، حسین و نورائی، مرتضی (۱۳۸۸). *روش پژوهش در تاریخ*، تهران: سازمان انتشارات پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی.
- ورستان‌دیگ، آندره (۱۳۸۶). *تاریخ امپراتوری اشکانیان*، ترجمه محمد بهفروزی، تهران: جامی.

ولسکی، یوزف (۱۳۹۳). *شاهنشاهی اشکانی*، ترجمه مرتضی ثاقبفر، چاپ ششم، تهران: ققنوس.
هوار، کلمان (۱۳۹۰). *ایران و تمدن ایرانی*، ترجمه حسن انوشه، چاپ ششم، ویراست دوم، تهران: امیرکبیر.
تاریخ فرهنگ ایران ۱ اثر صالح امینپور، انتشارات سمت، ۲۳۰ صفحه، چاپ اول، ۱۳۹۴

Finley, M.I. 1983. *The Use and Abuse of history*, Chatto & Windus Publisher, London.